

بررسی و گزارش ختم الغرایب خاقانی شروانی؛ با تصحیح و تعلیقات دکتر یوسف عالی عباس آباد

دکتر مجید سرمدی*



اشاره

نوشته ذیل را نیز جناب آقای دکتر مجید سرمدی درباره تصحیح ختم الغرائب خاقانی به کتاب ماه ادبیات ارسال نموده‌اند، که حاوی برخی نکات اصلاحی است که برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی و مصحح محترم نقل می‌شود.

کتاب سود جسته است، که عبارتند از نسخه کتابخانه‌های وین (که نسخه اساس قرار گرفته است)، نسخه استانبول، نسخه آستان قدس رضوی (مورخ ۱۸۴۷)، نسخه آستان قدس رضوی (مورخ ۹۵۰)، نسخه سپهسالار، نسخه ملک (مورخ ۱۰۵۹).

قسمت دوم کتاب شامل متن منظوم است که مقدمه‌ای منثور به سبکی فنی و مصنوع دارد. منظومه در ۶ مقاله در موضوعات گوناگون با عناوین مختلف، همچون «عوانس الفكر لمجالس ذکر»، «معراج العقول و منهج الفحول»، «سبحة الأوتاد و نخبة الأوراد»، «موارد الأوراد و فراید الأفراد»، «هدیه المهدی إلى الهادی» و «اصدق الکلام فی مناقب الشام» تدوین شده است. هر مقاله مشمول بر مطالبی متنوع، همچون خطاب به آفتاب، حسب حال، توصیف ملائکه و انبیا و اولیا، ستایش ممدوح (خواجه بزرگ)، صفت صبح، ستایش عراق و سایر موارد و مکان‌هایی است که خاقانی از آنها گذر و گزارش کرده است. قسمت سوم کتاب بالغ بر ۳۵۰ صفحه تعلیقات و توضیحات است که نشان از توان علمی و دقت نظر و تعمق در آثار خاقانی دارد و می‌تواند بخشی بسیار پرفایده محسوب شود. در این قسمت اغلب ابیات نیازمند به شرح، با ذکر شواهد و منابع مستند توضیح و تشریح گشته است و در نهایت، فهرست‌های بسیار مفید آیات، احادیث، اشخاص، مکان‌ها، اصطلاحات تصوف، دیوانی، طبی، موسیقی، نجومی، نرد و همچنین فهرست ترکیبات متن ترتیب یافته و فهرست الفبایی ابیات به آن افزوده شده و به فهرست منابع و مأخذ ختم شده است.

با عرض دست مریزاد و ستایش کار پسندیده و پر بار جناب آقای دکتر عالی عباس‌آباد، نکاتی را به ترتیب صفحات و ابیات و بدون تفکیک موضوعی در تصحیح و شرح و اغلاط تأییدی، یادآوری می‌کنم:

۱. ص ۲۰، سطر ۲: «تخلص وی حقایقی و خاقانی است». بهتر می‌بود میان «حقایقی» و «خاقانی» قید «سپس» آورده می‌شد تا احياناً خواننده گمان نکند هر دو تخلص را توأمان به کار می‌برده است.

۲. ص ۲۰، بند آخر: «خاقانی با اکثر شاعران همعصر خود ارتباط داشت؛ از جمله می‌توان از نظامی گنجوی و ... نام برد». اینجانب در جایی و اثری و سخنی از هر دو بزرگوار، خاقانی و نظامی، مدرکی دال

خاقانی شروانی، این شاعر دشوارنمای میان اهل ادب و دانشگاهیان، عمدتاً با دیوان قصاید و غزلیات و قطعات خود شناخته شده است و در راستای این دیوان هم از سوی ادبا و فضلا کوشش‌هایی برای تصحیح و شرح و گزیده کردن انجام گرفته و نشر یافته است. اما در شرح احوال و آثار خاقانی، به جز دیوان، آثار دیگری هم قید شده است که توجه زیادی به آنها نمی‌شود؛ از جمله منشآت وی که به سعی و همت شادروان استاد ضیاءالدین سجادی و استاد ارجمند، دکتر محمد روشن به زیور طبع و نشر آراسته شده است.

اثر دیگر خاقانی که از غایت ادب‌دوستان و محققان به‌دور مانده بوده است، تحفة العراقرین می‌باشد که سالیان پیش به کوشش مرحوم یحیی قریب تصحیح و شرح شد. علاوه بر نایاب بودن این چاپ، نیاز به تجدید نظر در تصحیح و تنقیح و شرح کتاب مزبور، همچون دیوان خاقانی در میان ارباب و اصحاب ادبیات احساس می‌شد. این مهم به دست توانای همکار محترم، دکتر یوسف عالی عباس‌آباد، در سال ۱۳۸۶ به واسطه انتشارات پرافتخار سخن، به زیبایی و سبکی علمی و درخور، به نام ختم الغرایب انجام گرفت. در این گزارش کوتاه، بیشتر سعی شده است معرفی‌ای اجمالی از کتاب یادشده طرح شود و در انتها درباره حدود ۲۰۰ بیت اول کتاب پیشنهادها و اشاراتی از باب استحسان و در حد نمونه عرضه گردد. امید است مقبول طبع سخن‌سنان قرار بگیرد.

ختم الغرایب، که قول مشهور آن به نام تحفة العراقرین است، به شیوه‌ای آیین‌مند و شایسته ترتیب یافته است. در ابتدا فهرست عناوین کتاب آمده، که شامل آغاز سخن در یک صفحه و نیم از سوی مصحح و شارح محترم است؛ سپس مقدمه‌ای ۳۸ صفحه‌ای در ذکر احوال و آثار خاقانی آمده است، که قسمت عمده آن را معرفی ختم الغرایب به عنوان اولین سفرنامه منظوم فارسی در بر گرفته است و بحث در محتوا و سبک، نسخ خطی موجود، ویژگی‌های زبانی و بلاغی این منظومه و شیوه تصحیح را شامل می‌شود، که الحق به زبانی ساده و متین و مفید نوشته شده است.

مصحح محترم به اذعان خویش از ۷ نسخه خطی در تدوین



بر مطلب فوق‌الذکر ندیده‌ام. بهتر بود اگر جناب استاد سندی داشتند، بیان می‌فرمودند.

۳. ص ۳۷: «شرح‌های ختم الغرایب» و نیز ص ۳۹: «از کارهای مهم دیگری که درباره ختم الغرایب انجام شده؛ معلوم نیست چرا نام و نشانی از پیشکسوت مرحوم، استاد یحیی قریب، نیامده است؟»
 ۴. ص ۳۹: از کارهای انجام‌شده بر روی ختم الغرایب، رسالهٔ دکتری خانم آنا بیلارت، با عنوان *شفای غمگنان* ذکر شده، اما بیان نشده است که در کدام دانشگاه این رساله موجود بوده و دفاع شده است.

۵. ص ۶۳: در بیت دوم، مصرع دوم متن منظومه، «سر کیسهٔ عمل» آمده است که قطعاً غلط تاپی است و درست آن «سر کیسهٔ عمر» است.

۶. بیت ۱۲: در مصرع دوم لازم می‌نماید واژهٔ «حفاظ» معنی شود.
 ۷. بیت ۱۳: در مصراع دوم واژهٔ جنس که در آثار خاقانی به معنی «دوست» است، معنی نشده است.

۸. بیت ۱۶: در مصرع دوم بهتر بود توضیح داده می‌شد که «جام جهان‌نمای» استعاره از چیست.

۹. بیت ۱۸: در مصرع دوم منظور از واژهٔ «اطفال» تلویحاً مردم نادان است، که در تعلیقات به آن اشاره‌ای نشده است.

۱۰. بیت ۲۰: در مصرع دوم واژه‌های «خلیفه» و «کتاب» بهتر بود معنی می‌شد.

۱۱. بیت ۲۲: در مصرع دوم «بهاران» می‌تواند ایهامی به معنای گل‌ها و شکوفه‌ها نیز داشته باشد.

۱۲. بیت ۲۷: ترکیبات «دوگاووار» و «دو هندو» نیازمند توضیح می‌باشد، که گویا استعاره از چشم و مردمک است.

۱۳. بیت ۲۷: ترکیب «هفت در هفت» نیاز به معنی دارد و گویا به معنی رنگارنگ است، یا منظور هفت اقلیم و هفت دریاست.

۱۴. بیت ۲۸: در مصرع دوم ارتباط معنایی میان «جعد سر زنگیان» و «آفتاب» نیاز به شرح دارد.

۱۵. بیت ۲۹: در مصرع دوم واژهٔ «تاب» دو معنای ایهامی روشنایی (درخشش) و مجعد دارد.

۱۶. بیت ۳۲: در مصرع دوم «ابجد از زر» استعاره از پرتو و خطوط نور خورشید است که کنایه (؟) از ستارگان دانسته شده است.

۱۷. بیت ۳۳: «هفت صحیفه» را کنایه دانسته‌اند؛ استعاره تعبیر بهتری به نظر می‌رسد. همچنین «ده آیت» را کنایه از ستارگان دانسته‌اند، که باز استعاره است. چنانچه در مفهوم بیت، خود نیز شعاع آفتاب معنی کرده‌اند (ص ۲۵۵).

۱۸. بیت ۳۴: در توضیح «تب»، از خفی علایی شرحی آورده‌اند که در مفهوم بیت ربطی و نیازی بدان نیست.

۱۹. بیت ۴۰: مصرع دوم لازم است شرح شود.

۲۰. بیت ۴۲: واژه‌های «عارض»، «هبا» و «شاهد» بهتر بود

معنی می‌شد.

۲۱. بیت ۴۳: مصرع دوم تلمیح به کاخ سلیمان و

صرح مرمزد دارد، که بهتر بود شرح می‌شد.

۲۲. بیت ۵۲: در مصرع دوم ارتباط میان «مهرة لعل» و «گردن خر» نیاز به توضیح دارد.

۲۳. بیت ۵۷: بیت نیازمند به شرح است و از تعابیر مکرر خاقانی در دیوان هم هست.

۲۴. بیت ۶۰: در مصرع دوم کلمهٔ «آزر» تلمیح دارد و نیازمند توضیح است.

۲۵. بیت ۷۰: در توضیح «هفت سر اژدها» نوشته‌اند: «کنایه از نفس است». به نظر می‌رسد لزومی ندارد معنای کنایی آن ذکر شود. خود اژدها در اساطیر دارای چندین سر (شش یا هفت) است و خاقانی در این بیت از «طلای شش‌سری» تعبیر به «اژدهای هفت‌سر» (مهیّب و خطرناک) کرده است.

۲۶. بیت ۷۱: نیاز به توضیح دارد؛ چرا که خاقانی زردی و نزاری چهرهٔ خود را توصیف می‌کند.

۲۷. بیت ۷۴: در مصرع دوم «صف نعال» نیازمند توضیح است.

۲۸. بیت ۷۶: در نسخه‌بدل، قافیه «روشان» آمده است، که با توجه به قافیه شدن با «دشمن»، که هماهنگی و ارتباط معنایی بیشتری با روشن دارد، ارجح می‌نماید. در غیر آن، عیب قافیه ایجاد می‌شود.

۲۹. بیت ۱۳۱: «داه» و «داهی» نیاز به معنی دارند؛ اولی به معنی خدمتکار و دومی به معنی حیل‌گر و زیرک است.

۳۰. ابیات ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۶۹، ۱۶۳؛ به ترتیب، «دوسکه»، «جینبتان بالا»، «دایرهٔ گرد نقطه‌پرور»، «بوتهٔ زر»، «شاهد غمزه‌زن»، «سلطان یک‌اسبه»، «صد هزار بیدق» و «لعبت گرکان». جملگی کنایه محسوب شده‌اند، که باز بهتر بود استعاره معنی شوند.

۳۱. بیت ۱۹۵: اشاره به معجزات حضرت عیسی دارد و «برهان» به معنی حجت روشن و معجزه است.

۳۲. بیت ۲۱۱: در مصرع دوم، «صوفیجه» که به معنی لباس صوفیان است، معنی نشده است.

۳۳. بیت ۲۱۶، شمارهٔ «۲» باید میان «زر» و «گل» قرار بگیرد.

۳۴. بیت ۲۲۰: در مصرع دوم «سجادهٔ چارسوی ...» به روزن‌خانه تعبیر شده است. بهتر است به «چهار جهت» (شمال، جنوب، شرق، غرب) تعبیر شود.

پی‌نوشت

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور تهران.